

اقتضای اسناد و اخبار در تعارض اخبار - بررسی اخبار علاجیه در نگاه سیستمی و مجموعی

برگه جلسه :

صفحه 1663 و 1664

(جلسه هشتم و دوم)

رفتارشناسی محقق نائینی در مسأله

محقق نائینی - با اشاره نزدیک به صراحت! - روایات دال بر تخییر و توقف را ناظر به فرض تکافؤ دو طرف تعارض - در مقابل مرجح داشتن یکی بر دیگری - می داند.¹

بین روایات دال بر تخییر مطلقا و دال بر تخییر در زمان حضور هم چون مثبتین هستند تعارضی حتی بدوی نمی بیند؛ پس قاعده لزوم تقیید مطلق به مقید جاری نمی شود. همچنین بین روایات دال بر توقف مطلقا و دال بر توقف در زمان حضور.² البته ایشان قبل از این بیان، فرموده است: «لم اقف علی روایة تدل علی التوقف مطلقا حتی فی زمان الغیبة و لکن حکمی ما یدل علی ذلک ایضا».³

قهرآ در کلام فوق، بر فرض وجود چنین روایتی، بحث می کند. وی سپس به حل تعارض اخبار دال بر توقف و تخییر می پردازد که با توجه به اختلال در بیان⁴ وی (به نظر ما) از نقل و نقد آن پرهیز می کنیم و به نتیجه آن اشاره می کنیم که می گوید: «تکون النتيجة هی التخییر فی زمان الغیبة - کما علیه المشهور - و لا وجه للقول بالتوقف او الاخذ بما یوافق الاحتیاط».⁵ وی روایت دال بر لزوم اخذ به روایت موافق احتیاط را ضعیف السند و غیر معمول بها میداند؛ از این رو بر گزینه تخییر تاکید می ورزد. بله، در زمان حضور باید توقف کرد.⁶

ایشان در تعامل بین اخبار تخییر و ترجیح، رابطه مطلق و مقید برقرار می کند، اخبار ترجیح را مقدم می شمارد و قول به استحباب ترجیح را ضعیف می شمارد.⁷ وی در کلامی مستقل از ترتیب مرجحات صحبت می کند و خود را در این مبحث - بر عکس شیخ انصاری - درگیر جمع بین اخبار نمی کند.⁸ دآوری ما نسبت به رفتار ایشان در مجال حاضر، به همان نحوی است که در رفتارهای پیشین صادر شده از محقق خراسانی و شیخ انصاری - قدس سرهما - صورت گرفت.

(پایان جلسه)

رفتار محقق عراقی

محقق عراقی روایات دال بر احتیاط و توقف را نسبت به ادله تخییر اخص می داند (چون اختصاص به فرض امکان احتیاط دارد) و - بالطبع - باید قانون تقیید را جاری و مطلقا تخییر را حمل بر فرض عدم امکان احتیاط کرد لکن این قاعده را در مقام نمی پذیرد و در ادامه می فرماید:

«و لکن بعد ابناء تلك المطلقات عن هذا الحمل و عدم القول به من الاصحاب لا بد من حمل ما دل علی التوقف فی العمل علی الاستحباب».⁹

نکته قابل عنایت در کلام ایشان نسبت عدم قول به لزوم توقف و احتیاط حتی در فرض امکان احتیاط به «اصحاب» است. نسبتی که اثبات آن، آسان نیست و رفتارهای معمول در دوران های معاصر و پیوسته به آنها مبرر این ادعای عام نیست. ایشان در ادامه رفتار خویش نسبت به اخذ به مرجحات تفصیل می دهد! و تنها دو مرجح یعنی موافقت با کتاب و مخالفت با عامه را می پذیرد و مطلقا اخبار تخییر را تا همین مقدار تقیید می زند.¹⁰ ایشان با این ادعا هم در مقابل ادعای تخییر مطلقا و استحباب

ترجیح به مرجحات قرار می‌گیرد و هم در مقابل ادعای لزوم ترجیح به همه مرجحات و البته در مقابل اخبار عرضه و طرح نیز قرار می‌گیرد؛ زیرا در آن اخبار موافقت با کتاب به عنوان تمییز حجت از لاجت است نه سنجه ترجیح و البته به زعم خود همه را حل می‌کند.¹¹ وی سایر ترجیحات مذکور در مقبوله و مرفوعه را غیر مؤثر در لزوم ترجیح می‌بیند و در بخشی از کلام خود می‌فرماید: «ولکنها (درباره مقبوله) بصدورها المشتمل علی الترجیح بالصفات من الاعدلیة و تالییها مختصة بترجیح الحکمین - نظیر روایتی داود بن الحصین و النمیری - و لاترتبط بمقام ترجیح الروایتین و ان کان الحاکمین [الحاکمان] فی الصدر الاول راویین للاخبار ایضا، لان ترجیح احدهما من حیث الحكومة غیر مرتبط بترجیحه من حیث الروایة . و أما بذیلها المشتمل علی الترجیح بالشهرة و الشذوذ فهی و ان کان ظاهرة فی وجوب الترجیح بها و لا مجال لتوهم كونها ایضا من مرجحات الحکمین و لكن الاشکال فیها انما هو لعدم كونها بمثل هذا الترجیح معمولاً بها عند الاصحاب فی موردها حتی یتعدی منها الی غیر موردها فی مقام الفتوی؛ اذ لیس بناء الاصحاب فی مقام ترجیح احد الحکمین علی الرجوع الی مدرکهما، بل الحاکم بعد ما اخذ بالروایة و حکم فی الواقعة علی وفق رأیه فی الشبهات الحکمیة کان ذلك متبعا حتی بالنسبة الی مجتهد آخر...».¹² رفتار ایشان حامل نکاتی افزون است؛ لکن عهده‌دار جمع بین اخبار به طور کامل نیست.

01. نک: فوائد الاصول، ج4، ص763.

02. همان، ص764.

03. همان.

04. آن جا که می‌فرماید: «ان التعارض بین ما دل علی التوقف و التخییر مطلقا یكون بالعموم من وجه» (همان) ، با این که اگر منظور وی توقف مطلق و تخییر مطلق است که نسبت تباین است و چنان چه توقف مقید و تخییر مطلق مراد باشد، نسبت عام و خاص مطلق است؛ بر این بنیان ادامه سخنان وی نیز در ضیق و شداد قرار می‌گیرد.

05. همان، ص765.

06. همان.

07. همان، ص770.

08. همان، از ص779.

09. نهاية الافکار، قسم دوم، از جزء چهارم، ص184.

10. همان، ص189.

11. همان، ص190.

12. همان، ص190 و 191.

مشروح درس :

بسم الله الرحمن الرحيم

بحثی داشتیم تحت عنوان رفتار شناسی اصولی ها در ارتباط با روایات معروف به اخبار علاجیه. از مرحوم آخوند خراسانی و شیخ انصاری نقل مطلب داشتیم و در مورد هر دو گفته شد که گرچه تا حدودی تلاش کرده اند موفق بوده اند در جمع بین اخبار اما آن گونه که ما فکر می‌کنیم کامل نبود. سومین شخصیتی که امروز داریم، محقق نائینی است. ایشان با اشاره ی نزدیک به صراحت اخبار معروف به اخبار تخییر و

توقف را می برد در فرضی که دو طرف تعارض تکافؤ دارند و هیچ کدام بر دیگری مزیت ندارد (ومن اضافه می کنم که اگر یکی مزیتی دارد دیگری هم مشابه آن مزیت را از یک جنس دیگر دارد که در رتبه ی همان مزیت است به طوری که نمی توانیم بگوییم الف برتری دارد بر ب یا برعکس) پس ایشان روایات تخییر و توقف را اختصاص می دهد به فرض تکافؤ قهرا جا باز می شود برای روایات ترجیح که خواهیم گفت.

این که من گفتم ایشان با اشاره ی نزدیک به صراحت روایات دال بر تخییر و توقف را ناظر به فرض تکافؤ دو طرف تعارض می داند به خاطر این است که ایشان در صفحه ی 763 فوائد الاصول می فرماید :

«المبحث الثامن: قد عرفت ان القاعدة تقتضى سقوط الخبرين المتعارضين ولكن قد اختلفت كلمات الاصحاب فى المتعارضين المتكافئين» بعد که بحث را در معارضین متکافئین می برد اقوال را شروع می کند به شمردن و اقوال را که شروع می کند روایات را بعد اشاره می کند در همان فرض متکافئین در صفحه ی بعد می گوید:

و التحقيق فى الجمع بينها ... که قاعدتا ادامه ی فرض تکافؤ است ولی ایشان چه فرضش تکافؤ باشد و چه نباشد هیچ تفاوتی در نتیجه گیری بحثش ندارد. پس اینجوری حساب کنیم که محقق نائینی روایات تخییر و توقف را می برد در فرض تکافؤ و روایات دال بر ترجیح را مثل روایت ابن حنظله می برد در فرض عدم تکافؤ.

مطلب دیگری که ایشان دارد این است که می فرماید: اگر روایتی یا روایاتی دال بر تخییر مطلق بود و روایتی دال بر تخییر بود در عصر حضور، اینها باهم تنافی ندارد چون روایات دال بر تخییر در عصر حضور نفی نمی کند تخییر مطلق را چون دو روایت وقتی مثبتین باشند یا به تعبیر دقیق تر متوافقی باشند (چه مثبتین چه نافیین) باهم منافات ندارند مثل اکرم العالم، اکرم العالم العادل یک روایت می گوید مطلقا تخییر یک روایت می گوید در عصر حضور تخییر، نکته اش هم این است که روایاتی که می گوید در عصر حضور، نفی نمی کند تخییر را در عصر غیبت تا بگوییم منافات دارد با روایات مطلق. به همین میزان روایت یا روایاتی اگر داشتیم دال بر توقف مطلقا و روایت یا روایاتی داشتیم دال بر توقف در عصر حضور، روایات دال بر توقف در عصر حضور که نفی نمی کند در عصر غیبت توقف نکن، قهرا با توقف به صورت مطلق منافات ندارد. البته ایشان خط قبلش فرموده من روایت دال بر توقف مطلق را پیدا نکرده ام ولی مشخص است که بنا بر فرض این که کسی بگوید داریم یا پیدا کند و به این شکل بخشی از اخبار را باهم جمع می کند.

پس تا این جا جناب نائینی دو مرحله را طی کرد. روایات دال بر تخییر و توقف را برد در فرض تکافؤ (اضافه می کنیم که پس روایات ترجیح می رود در فرض عدم تکافؤ) دومین کاری هم که کرد این بود که روایاتی که دال بر تخییر است مطلقا یا توقف است مطلقا با روایاتی که دال بر تخییر است مقید به حضور یا توقف مقید به حضور منافات ندارند.

پس تعارض بین روایات دال بر تخییر مطلقا و توقف است برای این که یا طبق برخی روایات باید توقف کنیم پس تخییر معنا ندارد یا اگر خواهیم تخییر را انتخاب کنیم دیگر توقف معنا ندارد. لکن ایشان متأسفانه در این جا که به زیبایی جلو آمده است و انسان توقع دارد که یک بیان خوبی برای حل این مشکل داشته باشد به نظر ما بیان ایشان اختلال دارد و عاجز است چون می فرماید: ان التعارض بین ما دل على التوقف و التخییر مطلقا یكون بالعموم من وجه نسبت بین دال بر تخییر و توقف عام و خاص من وجه است و بر اساس این عام و خاص من وجه جلو می رود. ما این جا نمی خواهیم نقد کنیم ولی وقتی مطلب به نظر ما باطل است و ادامه هم دارد ما دیگر ادامه نمی دهیم. و آن اشکال این است که بین ما دل على التوقف و ما دل على التخییر عام و خاص من وجه است؟ اگر منظورتان ما دل على التخییر و ما دل على التوقف مطلقا یعنی چه زمان حضور و چه زمان غیبت این نسبت تباین است چون یک گزینه می گوید همیشه توقف کن و یک گزینه می گوید همیشه تخییر و اگر منظورتان این است که یک طرف مطلق و یک طرف مقید باشد در این صورت عام و خاص مطلق است نه عام و خاص من وجه لذا این قسمت از فرمایش محقق نائینی خالی از اختلال نیست. ایشان نتیجه ای که از تلاش خودش می گیرد این است که تخییر مخصوص زمان غیبت است و توقف مختص به زمان حضور است. برخی از روایات دلالت بر احتیاط می کرد، ایشان می فرماید صحبت از احتیاط نکنید چون اولاً روایت ضعیف است و ثانیاً فقها به آن عمل نکرده اند بلکه برخی از اخباری ها در شبهات حکمیه ی تحریمیه احتیاط می کنند اما نه از باب تعارض بین اخبار و فرض این است که آن مبنی مبنای صحیحی نیست و وقتی قائل به آن مینا نشدیم در تعارض هم اخذ به احتیاط نمی کنیم و دلیل معتبری بر احتیاط وجود ندارد. پس روایات احتیاط کنار می رود. روایات تخییر برای زمان غیبت و روایت توقف هم برای زمان حضور این مسأله ای است که جناب

نائینی برای این اخبار صورت داده است. به جز اشکالی که بیان شد مطلب بسیار فنی بود.

اشاره کردیم که جناب نائینی روایات تخییر و توقف را می برد در فرض تکافؤ و روایات ترجیح را می برد در فرض عدم تکافؤ. می فرماید رابطه ی بین روایات تخییر با روایات ترجیح مطلق و مقید است یعنی روایات تخییر مطلق است (البته این مطلق بودن روایات تخییر منافات ندارد با این که ایشان می برد در فرض تکافؤ چون نهایتا آخر کار این نتیجه را بگیرد که برای فرض تکافؤ است و الا در نگاه اول بگوئیم روایات تخییر مطلق است اما روایات ترجیح مسلم مقید است به فرضی که یکی بر دیگری مزیت دارد) در این جا هر چه قانون می گوید باید انجام داد. قانون می گوید اگر شما روایاتی یا روایتی داشتید مطلق یا روایت یا روایاتی داشتید مخالف آن اما مقید در این جا دیگر مثبتین یا نافیین نیستند بلکه یکی مثبت و یکی نافی است یکی گزینه ی تخییر را مطرح می کند و یکی گزینه ی تخییر را رد می کند و گزینه ی ترجیح را ارائه می کند منتهی در فرض وجود مرجح. در این جا حمل بر تخییر می کنیم در فرض عدم ترجیح و برای این که روایات ترجیح روی زمین نماند حمل می کنیم بر جایی که ترجیح وجود دارد.

پس نتیجه ی کلام محقق نائینی این می شود که ما در فرض تکافؤ می رویم به سراغ تخییر و در فرض ترجیح می رویم به سراغ مرجحات. و در این جا اشاره می کند بدون این که نام ببرد به قول کسانی که ادله ی تخییر را حاکم کرده اند مطلقا و ادله ی ترجیح را حمل بر استحباب کرده اند که مشخص است به جناب آخوند نظر دارد. و می فرماید وجهی ندارد چون حمل مطلق بر مقید مقدم بر حمل امر بر استحباب است. اگر خواسته باشیم کلام آقای نائینی را خلاصه کنیم این می شود :

روایات تخییر برای زمان غیبت با فرض تکافؤ. روایات توقف برای زمان حضور در فرض تکافؤ. روایت ترجیح برای چه زمان حضور و چه زمان غیبت اما در فرض وجود مزیت یک معارض بر دیگری و روایات احتیاط هم که مطلقا عمل نمی شود نه در زمان غیبت و نه در زمان حضور.

ضمنا حالا که قرار شد ایشان به روایات ترجیح عمل کند اینکه مرجحات چند تا هست، چه ترتیبی دارد؟ این ها بحث های دیگری خواهد بود که ایشان در مبحث دهم از صفحه ی 778 مرجحات را می شمارد، ایشان چهار مرجح را قبول دارد و بین این مرجحات هم ترتیب قائل است و تعدی از مرجحات منصوص به غیر منصوص هم نمی کند.

شیخ اعظم تلاش کرد که در ترتیب بین مرجحات هم روایات را با هم جمع کند و سعی کرد در جمع بین روایات این ها را هم در نظر بگیرد ولی مرحوم نائینی این بحث را جدا کرد.

با تمام تلاش مشکور، فنی و روانی که جناب نائینی از خود نشان داد و خوب تا حدودی سهم بندی کرد و روایات را با هم جمع کرد، مسلم کامل نیست اگر کسی روایاتی که ما بیان کردیم و بگوید جناب نائینی در جمع همه ی این روایات موفق بوده است، اینطور نیست علاوه بر این که برخی از نکات را که به نظر ما باید حتما تذکر داد ایشان بیان نکرده است و لذا بعد از ایشان هم اختلاف تمام نشده است و ادامه پیدا کرده است.